

## Lesson 1

### Economics

People live in societies. In every society, interactions between peoples and groups construct the economy. Awareness of how an economy functions is vital to solve economic problems because we live in a globe with scarce resources with alternative uses and unlimited wants of human beings. Scarcity means that available resources are insufficient to satisfy all wants and needs. Remember, with absent scarcity and alternative uses of available resources, there is no economic problem. The subject thus defined involves the study of choices as they are affected by incentives and resources. Therefore, the study on how people choose to use scarce or limited productive resources (e.g., land, labor, equipment, technical knowledge) to produce various commodities (such as wheat, beef, roads), and to distribute these goods to various members of society for their consumption is *economics*. In short, economics analyzes the production, distribution, and consumption of goods and services. It aims to explain how economies work and how economic agents interact.

#### علم اقتصاد

مردم در جوامع زندگی می کنند . در هر جامعه ای ، تعامل بین افراد و گروه ها اقتصاد را می سازد. آگاهی از این که چگونه یک اقتصاد عمل می کند برای حل مسائل اقتصادی ضروری است زیرا ما در جهانی با منابع نایاب با استفاده های جایگزین و خواسته های نامحدود انسان ها زندگی می کنیم . نایابی به این معنی است که منابع در دسترس برای ارضای همه خواسته ها و نیازها ناکافی هستند و به خاطر داشته باشید ، در صورت نبود نایابی و استفاده های جایگزین ، مشکل اقتصادی وجود ندارد . موضوع تعریف شده از این رو با مطالعه انتخاب هایی که از انگیزه ها و منابع متاثر می شوند ، درگیر است . بنابراین ، مطالعه در این باره که مردم چگونه انتخاب می کنند تا از منابع مولد محدود یا نایاب ( زمین ، نیروی کار ، تجهیزات ، دانش فنی ) به قصد تولید کالاهای متنوع ( مثل آرد ، گوشت ، راه ها ) و توزیع کالاها بین اعضای مختلف جامعه برای مصرفشان استفاده کنند ، موضوع علم اقتصاد است . به طور خلاصه ، تولید ، توزیع ، و مصرف کالاها و خدمات را تجزیه و تحلیل می کند . علم اقتصاد توضیح دادن چگونگی کارکرد اقتصاد ها و چگونگی تعامل نهادهای اقتصادی را هدف قرار می دهد.

### Macro and Microeconomics

Economics can be best divided into its two main branches: Macroeconomics and Microeconomics. Macroeconomics takes a top-down approach to analyze the economy while microeconomics takes a bottom-up approach.

## اقتصاد خرد و کلان

علم اقتصاد را می توان به دو شاخه اصلی تقسیم کرد : اقتصاد کلان و اقتصاد خرد . اقتصاد کلان رویکرد بالا به پایین در تجزیه و تحلیل اقتصاد دارد در حالی که اقتصاد خرد رویکردی پایین به بالا دارد .

Macroeconomics examines an economy as a whole "top down" with a view toward explaining the levels and interactions of broad aggregates such as national income and output, employment , and inflation and sub aggregates like total consumption and investment spending and their components, including effects of monetary policy and fiscal policy.

اقتصاد کلان ، اقتصاد را به عنوان یک کل ( بالا به پایین ) با نگاهی در جهت توضیح دادن سطوح و تعامل ارقام کلان مثل درآمد ملی و تولید ، اشتغال و تورم و ارقامی مثل مصرف کل و مخارج سرمایه گذاری و اجزای آنها شامل اثرات سیاست پولی و مالی بررسی می کند .

Microeconomics examines the economic behavior of agents (including businesses and households) and their interactions through individual markets, given scarcity and government regulations. Within microeconomics, general equilibrium theory aggregates across all markets, including their movements and interactions toward equilibrium.

اقتصاد خرد رفتار اقتصادی نهادها ( شامل کسب و کارها و خانوارها ) و تعامل بین آنها را از طریق بازارهای انفرادی با فرض نایابی و تنظیم دولتی بررسی می کند . در اقتصاد خرد ، تئوری تعادل عمومی همه بازارها شامل حرکات آنها و تعاملشان به سمت تعادل را در بر می گیرد .

## Market Economy

A market economy, as contrasted with a planned economy, is an economy in which decisions regarding investment, production, and distribution are based on *demand* and *supply* and the prices of goods and services are determined in a free price system. The term free-market economy is sometimes used synonymously with market economy. In the real world, market economies do not exist in pure form, as societies and governments regulate them to varying degrees rather than allow full self-regulation by market forces. Therefore, most existing market economies include a degree of economic planning or state-directed activity and are thus classified as mixed economies.

## اقتصاد بازاری

اقتصاد بازاری ، در برابر اقتصاد برنامه ریزی شده ، اقتصادی است که در آن تصمیمات در باره سرمایه گذاری ، تولید و توزیع بر تقاضا و عرضه مبتنی هستند و قیمت های کالاها و خدمات در یک سیستم قیمت گذاری آزاد تعیین می شوند . اصطلاح اقتصاد بازار آزاد گاهی مترادف با اقتصاد بازار استفاده می شود . در دنیای واقعی ، اقتصادهای بازاری در شکل

ناب وجود ندارند، زیرا جوامع و دولت ها تا درجات متفاوتی بازار را تنظیم می کنند به جای آن که اجازه دهند بازار با نیروهای بازار خود را تنظیم نماید. بنابراین، بیشتر اقتصادهای موجود شامل حدی از برنامه ریزی اقتصادی یا فعالیت هدایتی دولتی هستند و بنابراین به عنوان اقتصادهای مختلط طبقه بندی می شوند.

## Demand

For a given market of a commodity, demand shows the quantity that all prospective buyers would be prepared to purchase at each unit price of the goods. Demand is often represented using a table or graph relating price and quantity demanded. Demand theory describes individual consumers as "rationally" choosing the most preferred quantity of each good, given income, prices, tastes, etc. A term for this is 'constrained utility maximization' (with income as the "constraint" on demand). Here, 'utility' refers to the (hypothesized) preference relation for individual consumers. Utility and income are then used to model hypothesized properties about the effect of a price change on the quantity demanded.

### تقاضا

تقاضا برای یک کالا مقداری را نشان می دهد که همه خریداران آتی به خرید کالا در هر یک از قیمت های کالا حاضر خواهند شد. تقاضا اغلب با استفاده از یک جدول یا نموداری که قیمت و مقدار تقاضا شده را مرتبط می کند، نشان داده می شود. تئوری تقاضا مصرف کنندگان را به صورت افرادی که مرجح ترین مقدار هر کالا را به صورت منطقی انتخاب می کنند (با فرض ثابت بودن درآمد، قیمت، ذائقه، و غیره)، توصیف می نماید. اصطلاحی برای این معنی عبارت است از "حداکثر سازی مطلوبیت محدود شده" (درآمد به عنوان محدودیت روی تقاضا). در اینجا، مطلوبیت اشاره دارد به رابطه ترجیحی فرض شده برای مصرف کنندگان انفرادی. سپس مطلوبیت و درآمد برای مدل بندی کردن خواص فرض شده در باره اثر یک تغییر قیمت بر مقدار تقاضا شده استفاده می شود.

The law of demand states that, in general, price and quantity demanded in a given market are inversely related. In other words, the higher the price of a product, the less of it people would be able and willing to buy (other things unchanged). As the price of a commodity rises, overall purchasing power decreases (*the income effect*) and consumers move toward relatively less expensive goods (*the substitution effect*). Other factors can also affect demand; for example an increase in income will shift the demand curve outward relative to the origin, as in the figure.

قانون تقاضا می گوید که، در کل، قیمت و مقدار تقاضا شده در یک بازار به طور معکوس مرتبط هستند. به بیان دیگر، هر چه قیمت یک محصول بیشتر باشد، مردم مقدار کمتری از آن را قادرند و مایلند خریداری کنند (با فرض ثابت بودن چیزهای دیگر). همین طور که قیمت یک کالا بالا می رود، قدرت خرید کلی کاهش می یابد (اثر درآمدی) و مصرف کنندگان به سوی کالاهای کمتر گران می روند (اثر جایگزینی). عوامل دیگری هم می تواند بر تقاضا اثر

بگذارد؛ برای مثال یک افزایش در درآمد منحنی تقاضا را به سمت بیرون نسبت به مبدا جابجا خواهد کرد، همانند نمودار.

## Supply

Supply is the relation between the price of a good and the quantity available for sale from suppliers (such as production) at that price. Supply is often represented using a table or graph relating price and quantity supplied. Producers are hypothesized to be profit-maximizers, meaning that they attempt to produce the amount of goods that will bring the highest profit. Supply is typically represented as a directly proportional relation between price and quantity supplied (**ceteris paribus**). In other words, the higher the price at which the good can be sold, the more of it producers will supply. The higher price makes it profitable to increase production. At a price below equilibrium, there is a shortage of quantity supplied compared to quantity demanded. This pulls the price up. At a price above equilibrium, there is a surplus of quantity supplied compared to quantity demanded. This pushes the price down.

### عرضه

عرضه عبارت است از رابطه بین قیمت یک کالا و مقدار حاضر برای فروش از سوی عرضه کنندگان (مثل تولید کنندگان) در آن قیمت. عرضه اغلب با استفاده از جدول یا نموداری که قیمت و مقدار عرضه شده را مرتبط می سازد، نشان داده می شود. فرض شده است که تولید کنندگان حداکثر کننده سود هستند، بدین معنی که برای تولید کردن آن مقدار از کالا که بیشترین سود را برای آنها می آورد، می کوشند. عرضه به صورت یک رابطه مستقیم بین قیمت و مقدار عرضه شده نشان داده می شود (با فرض ثابت بودن چیزهای دیگر). به بیان دیگر، هرچه قیمتی که در آن کالا می تواند فروخته شود، تولید کنندگان مقدار بیشتری از آن را عرضه خواهند کرد. قیمت بالاتر کالا، افزایش دادن تولید را سود آور می کند. در قیمت زیر تعادل، کمبود عرضه نسبت به مقدار تقاضا شده وجود دارد. این قیمت را به سمت بالا می کشد. در قیمتی بالاتر از تعادل، مازاد عرضه نسبت به مقدار تقاضا شده وجود دارد. این قیمت را به پایین می راند.

The model of supply and demand predicts that for a given supply and demand curve, price and quantity will stabilize at the price that makes quantity supplied equal to quantity demanded. This is at the intersection of the two curves in the graph, market equilibrium.

مدل عرضه و تقاضا پیش گوئی می کند که برای یک منحنی عرضه و تقاضا، قیمت و مقدار در قیمتی که مقدار عرضه شده را با مقدار تقاضا شده برابر می کند، آرام می گیرد. این نقطه محل تلاقی دو منحنی در نمودار است، نقطه تعادل بازار.

## Equilibrium

The supply and demand model describes how prices vary as a result of a balance between product availability and demand. The graph depicts an increase (That is, right-shift) in demand from  $D_1$  to  $D_2$  along with the consequent increase in price and quantity required to reach a new equilibrium point on the supply curve (S).

### تعادل

مدل عرضه و تقاضا شرح می دهد چگونه قیمت ها در نتیجه یک تعادل بین عرضه و تقاضای کالا تغییر می کنند . نمودار نشان می دهد یک افزایش ( یعنی انتقال به راست ) در تقاضا از  $D_1$  به  $D_2$  همراه با افزایش منتج در قیمت و مقدار برای رسیدن به نقطه تعادل جدید روی منحنی عرضه (S) لازم است .

The theory of demand and supply is an organizing principle to explain prices and quantities of goods sold and changes thereof in a market economy. In microeconomic theory, it refers to price and output determination in a perfectly competitive market. This has served as a building block for modeling other market structures and for other theoretical approaches.

تئوری عرضه و تقاضا یک اصل سازمان دهنده برای توضیح دادن قیمت ها و مقادیر کالاهای فروخته شده و تغییرات مربوطه در اقتصاد بازار است . در تئوری اقتصاد خرد ، تئوری عرضه و تقاضا به تعیین قیمت و تولید در یک بازار رقابتی کامل اشاره دارد . این تئوری به عنوان عنصر سازنده برای مدل بندی ساختارهای بازاری دیگر و برای رویکردهای نظری دیگر کار کرده است .

For a given quantity of a good, the price point on the demand curve indicates the value, or marginal utility to consumers for that unit of output. It measures what the consumer would be prepared to pay for the corresponding unit of the good. The price point on the supply curve measures marginal cost, the increase in total cost to the supplier for the corresponding unit of the good. The price in equilibrium is determined by supply and demand. In a perfectly competitive market, supply and demand equate cost and value at equilibrium. Demand and supply can also be generalized to explain macroeconomic variables, for instance, quantity of total output and the general price level in a market economy.

برای مقدار معینی از یک کالا ، نقطه قیمت روی منحنی تقاضا ارزش یا مطلوبیت نهائی مصرف کنندگان را برای آن مقدار از کالا نشان می دهد . نقطه قیمت اندازه گیری می کند که مصرف کننده برای آن مقدار کالا چقدر حاضر است بپردازد . نقطه قیمت روی منحنی عرضه هزینه نهایی را اندازه می گیرد ، یعنی افزایش در هزینه کل عرضه کننده برای آن مقدار از کالا . قیمت در تعادل به وسیله عرضه و تقاضا تعیین می گردد . در یک بازار رقابتی کامل ، عرضه و تقاضا هزینه و ارزش را در تعادل با هم برابر می کند . همچنین عرضه و تقاضا را می توان برای توضیح دادن متغیرهای اقتصاد کلان در اقتصاد بازار تعمیم داد ، برای مثال ، مقدار تولید کل و سطح عمومی قیمت .

## National Accounting

National accounting is a method for summarizing economic activity of a nation. The national accounts are double-entry accounting systems that provide detailed underlying measures of such information. National accounting includes measurement of national income and product. This allows tracking the performance of an economy and its components through business cycles or over longer periods. It also includes measurement of the capital stock and wealth of a nation, and international capital flows.

### حسابداری ملی

حسابداری ملی روشی است برای خلاصه سازی فعالیت اقتصادی یک کشور. حساب های ملی سیستم های حسابداری دو طرفه ای هستند که اندازه های بنیادی مشروحی از چنین اطلاعاتی را فراهم می کند. حسابداری ملی شامل اندازه گیری تولید و درآمد ملی است. این ردیابی عملکرد یک اقتصاد و اجزای آن را از میان چرخه های اقتصادی یا طی دوره های زمانی بزرگ تر را ممکن می سازد. حسابداری ملی همچنین شامل اندازه گیری ذخیره سرمایه و ثروت یک کشور و جریانهای بین المللی سرمایه است.